

تاریخ واقعه تبریز یا رساله فی الواقعة الکبری فی تبریز

یا

نقد المصدور تبریز

از این واقعه در روضات الجنان و جنات الجنان (کلمه دقدق و توقمش در فهرست) و تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی در سرگذشت کمال خجندی (ص ۳۶۴) یاد شده است. در یادداشت‌های قزوینی (۲: ۱۱۰) نیز از توقماش خان خان تاتار سرای که دقدق یا دغدغ فرستاده او بوده است یاد گردیده. مقدم ترکان تر کمانان قبطاق که شاید همین دقدق باشد رسولی نزد کمال الدین خجندی فرستاد که تا از طرف سلطان تختمش (توقمش یا توقماش) برای اجرای عدالت بدینسوی آمده ایم (؟) اینها به شهر آمدند و بکشتار و چپاول پرداختند و در مسجد آتش افروختند و مسلمانان را بدان شکنجه میدادند و خمر میخوردند و زنا میکردند. نجم الدین سمار و قاضی قطب الدین عبیدی و صاحب اعظم امیر اتابک دزماری و خواجه غیاث الدین کافی همدانی و خواجه نورالدین مسکی را بکشتند و امیر سید رضی آذربایجانی را با آتش شکنجه کردند و ضیاء الدین برازی را حقالی سبوی شراب دادند. مؤلف خود این واقعه را دیده و بنام امیر شجاع الدین عادل بهادر این رساله را ساخته است. تاریخ آن از اوایل ذی القعدة سنه سبع و ثمانین و سعمائة (۷۸۷) تا ۲۷ همین ماه بوده است. در آن آمده که فوجی از ترکان از آب کَر گذشتند و دست بتاراج گشادند آنهم بنام سلطان تختمش. امیر ولی مازندرانی هم درین هنگام خروچی کرده بود. ابیاتی در باره همین امیر ولی و فرهاد آغا در تذکره الشعراء سمرقندی در همانجا آمده است.

ماه ذی‌قعدة كز قضائی نیست هیچکس را از او بحیله گریز
 از ملاعین عساكر دقدق جمله بی‌رحم و مفسد و خون‌ریز
 نهب تبریز و قتل و غارت او بود تاریخ نازنین تبریز
 (این سه بیت را از آقای سلطان‌قرائی استفاده کردم)

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمد لله العزيز الغفار والصلوة على رسول سيد الاخيار
 وسند الابراة صلوة دائمة بدوام الليل والنهار. اما بعد چون واقعه كبرى ومصیبت عظمی
 قبة الاسلام تبریز واقع شد و این قصه پر غصه در جهان شایع گشت هر يك از ارباب فضایل
 كه در ابداع غرایب نشريد بیضاء موسوی داشتند و در اختراع بدایع نظم دم از احیای
 عیسوی می‌زدند حسب المقدور والمیسور بر سبیل نفثة المصدر كتب و رسایل ساختند و
 مثنویات و قصاید پرداختند... جمعی از دوستان... كه حسن اعتقاد می نمودند و این
 فقیر حقیر را به تهمت صنعت انشا و تلفیق منسوب می گردانیدند التماس می کردند كه
 رساله‌ای مشتمل بر تاریخ این واقعه تألیف رود.

انجام: بمان در عزّ و اقبال و مراد و دولت و حشمت بكامل ذعمر و مال و جاه
 و مملكت بر خور. تمت الرسالة فی رجب المرجب سنة تسع و سبعین و ثمانمائة و الحمد لله
 رب العالمین .. علی يد غیب الله بن معروف غفر الله ذنوبهما ... والمسلمین . نهب تبریز
 و اسرو قتل درو بود تاریخ نازنین تبریز (۷۸۷).

ش ۵۴۹ تاریخ کتابخانه عارف حكمت در شهر مدینه، نستعلیق ۱ رجب ۸۷۹،
 عنوان شنگرف، ۲۰ برگ ۱۳ سطر باتملك اسماعیل در ۱۱۰۱، ربعی.

ش ۵۱۴ تاریخ عارف حكمت، نسخ حاج یوسف درویش تبریزی در پایان
 شوال ۱۲۶۷، با سر لوح و جدول زرین و لاجورد، عنوان شنگرف، ۱۲ برگ، رحلی.
 این دو نسخه را در شهر مدینه در همان کتابخانه دیده‌ام و جای دیگر از آن سراغ نکرده‌ام
 پایان